پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره بیستم – سال دوم – دوشنبه ۱۳ اسد ۱۳٤۸ – ٤ اگست ٦۹ شماره مسلسل ۷۲

دست‌های مداخل [illegible] یان زورگو

از انتخابات شوری کوتاه!

دراین روز هاکه هنگامه انتخابات‌شوری در سرتاسر کشور گرم‌است، عناصر کهنه کار ارتجاع‌سیاه فئودالی افغانستان ونمایندگان مغرور وبیباک آنها بغرض حفظ‌ودوام‌تسلط اهریمنی طبقاتی خویش‌فعالانه بر خاسته و به دسایس‌واعمال ضد قانونی وضد دموکراتیک تازه تری دست میزنند تا ازانتخاب نمایندگان صدیق، آگاه‌ووطنپرست خلق به شوری‌جلوگیری‌کنند. مرتجعین ومتنفذین محلی که عمر هاست مانند زالو به جسم‌وجان‌کم خون وناتوان مردم رنجدیده ومحروم جامعهٔ ما چسپیده اند، اکنون با بیشرمی و دیده درائی خاصی باصرف کمتر ازعشرعشیری از آنچه که از خلق دزدیده وبه یغما برده اند، به تطمیع وتخویف مردم می پردازند وبا استفاده از آراء آنان تلاش میورزند که خود را نمایندهٔ (!) مردم بتراشند و یا نمایندگان نوکر منش خود را به شوری بفرستند و بدینوسیله این «مظهر ارادهٔ‌مردم» و«خانه ملت» را به آله وملعبه دست خویش‌تبدیل نمایند.

بهمین جهت اکثریت‌نمایندگانیکه به شوری می آیند حتی یك فیصدی کوچك آراء با شعور خلق کشور را با خود ندارند، در غیر آن چگونه مردم حاضر میگردند که اربابان فئودال وسایر مرتجعین، این خصم سرسخت منافع و جسم وجان‌خود را بحیث نمایندگان خویش‌انتخاب کنند. با کمال تاسف هنوز اکثریت عظیم توده های مردم طوری بنا بر عقب ماندگی جامعه ودر اثر تبلیغات وسیع ارتجاعی وتحذیر کننده در سرتاسر کشور، به چنان سطح پائینی ازلحاظ ذهنی‌وشعورنگهداشته شده‌اندکه بدرستی قادربه تشخیص دشمنان طبقاتی خود و شناخت دوستان خویش که از منافع ومصالح ایشان نمایندگی مینمایند، نگردیده اند. بدینترتیب منجمله مسایل دیگر اجتماعی آراء اکثریت مطلق مردم، بدون اینکه ایشان متوجه باشند، از طرف اقلیت کوچك‌صاحب امتیازطفیلی درجامعه‌به انواع واشکال گوناگون، با حیل ودسایس مختلفی مورد تهدید، داد وستد و خرید و فروش قرارمیگیرد.

اربابان فئودال ومتنفذین محلی نه تنها بکمك متحدین طبقاتی خود در محل بلکه بطور کلی از طریق نمایندگان خود در دستگاه حاکمه وشبکه های ارتجاعی بطور صریح به حقوق مسلم مردم، برحق رأی مردم دستبرد میزنند. غالب‌ماموران دولتی در ولایات ومحلات کشور و عناصر متنفذ در دستگاه‌به نمایندگی از منافع طبقات حاکمه اصلا در اندیشه آن نیستندکه مردم‌بااستفاده از آزادی رأی بتوانند نمایندهٔ واقعی خویش را انتخاب کنند. هم اکنون توطئه ها وزدوبند های بر ضد کاندید های (داوطلب های) جریان دموکراتیک خلق افغانستان از طرف مرتجعین وعناصر متنفذ معلوم‌الحال چه در دستگاه وچه خارج از آن در جریان است.

حقایق و دلایل‌مشهودی دردست است که عنصری مقتدر حاکمه‌بنام وبا استفادهٔ سوء از«مقام خویش»وبه اتحاد سیاه ترین نیرو های ارتجاعی محلی و ماموران حکومت(ولسوالها، والی ها)، قضات وفتنه‌گران اخلالگر در یك جبهه نامقدس‌علیه کاندیدهای ترقیخواه وطنپرست جریان دموکراتیک خلق افغانستان به دسایس، تهدید، تفتین، تحریک وتبلیغات زهرآگین می پردازد که آشکارا مورد انزجار واعتراض شدید گروههای شریف خلق قرار

«ص ۳»

دوکتور اناهیتا

باید شعله‌های جهنمی اژدهای

سه‌سره استبداد، ارتجاع واستعمار راخاموش ساخت!

سالهاست که خلق افغانستان در تحت ضربات اهریمنانه اژدهای سه‌سره استبداد، ارتجاع واستعمار که از دهان جهنمی آن شعله های نفرین شده می جهد، دست وپا میزنند، میسوزند و رنج عظیم میکشند. شعله های جانسوز این دشمنان سگانه هر آنچه را برای رفاه و سعادت خلق باشد میسوزد وویرانی و تباهی بار می‌آورد. نقش وتاثیر سوء این دشمنان خطرناک ومهیب خلق در همه جا وهمه چیز پیداست: در شهر ودر ده، در وجود متنفذین و مرتجعین محلی، دروجود مستبدین بیروکرات، در وجود ملاکین بزرگ، در وجود سوداگران بزرگ دلال، دروجود تاجران ونمایندگی‌های انحصارات استعمارگر، دروجود خط دیورند، در جامه های سفید وسیاه، در اقتصاد و فرهنگ کشور، درمکاتب ومدارس، در فابریکه ها، دروجود بانکها و شرکت‌ها، در وجود فتنه‌گران، توطئه‌گران واخلالگران ودورویان‌داخلی وخارجی... وغیره.

در نتیجه تسلط این هیولای سه سره وتاثیرات سوء آنها در جامعهٔ ما بوده است که: خلق ما تاکنون بوضع فلاکتباری حیات بسر میبرند، اکثریت مطلق مردم بفقدان مواد غذایی دچار اند، هزاران طفل و زن قربانی پنجه های‌بیرحم امراض گوناگون میگردند، ملیونها انسان وطن ما از دوا ودوکتور فقط اسمی شنیده اند. ملیونها انسان کشور بیسواد وبی فرهنگ اند. مردم هر روز مورد تحقیر وتوهین قرار میگیرند صد ها هزار دهقان کشور تحت ستم و استثمار ملاکین بزرگ وبیرحم قرار دارند، کارگران کشور به بدترین وضعی استثمار میشوند. کمر مردم در زیر بار طاقت فرسای قیمت ها ومخارج بلند زندگی ومالیات غیر مستقیم خم گردیده است. صد ها هزار انسان هموطن ماعملا از حقوق و آزادیهای اساسی خویش محروم گردیده اند. هرروز آزادی وکرامت انسان مورد تعرض قرار میگیرد. هر روز صد هانفر بدون محاکمه علنی وحضوری در محاکم با صلاحیت و ملی، بطور خود سرانه ازطرف متنفذین محلی ودستگاه مورد مجازات‌قرار میگیرند. جرم یك شخص عملا به اشخاص دیگر سرایت میکند. انسان های بیشمار هموطن ما مورد تعذیب جسمی و روحی قرار می گیرند. از هزاران نفر متهم در گوشه ها وکنار های کشور بوسیله اکراه اظهارات گرفته میشود.

مصؤنیت مسکن برای صد ها هزار دهقان کشور در برابر تعرض مستبدین‌محلی وجود ندارد. هزاران فرد هموطن ما بدون موجب ازکار اداری دولت و موسسات خصوصی اخراج یا متضرر می گردند. آزادی فکر وبیان در قید وبند های‌مختلفی قرار دارد. اجتماع صلح آمیز کارگران، دهقانان وروشنفکران و دیگر اقشار دیموکراتیک تحدید و مورد تجاوز قرار می گیرد. در برابر تاسیس آزاد جمعیت ها واحزاب سیاسی موانع‌ایجاد میگردد. از ایجاد موسسات وسازمانهای توده ای‌ودموکراتیک جلو گیری‌بعمل می آید. در برابر احیاء وارتقای شعور سیاسی و اجتماعی مردم واشتراك فعال آنان در حیات‌اقتصادی اجتماعی و سیاسی جامعه موانع ایجاد می گردد. در برابر رشد اقتصادی وترقی اجتماعی جامعهٔ ماسنگ اندازی میشود، از اشاعه

«ص ٤»

م. ا. خیبر

دپاکستان دحاکمه محافلو

وروستی فیصله به خطرناک عواقب منځ ته راولی

دپاکستان جمهور رئیس ښاغلی آغا محمد یحیی خان د جولای د۲۸ نیټې په خپله رادیو ئی وینا کې دپاکستان دداخلی او خارجی سیاست دتوضیح په ضمن کې وویل: «زما اداری فیصله کړیده چه اوس هغه وخت رارسیدلی دی چه دچترال، دیر او سوات ریاستونه په لویدیځ پاکستان کی مزج شی. مالا پخوا ټولو مربوطو کسانو ته هدایتونه ورکړی دی چه ددی کاردسرته رسولو دپاره مفصل ترتیبات ونیسی».

پداسی حال کی چه له یوی خوا پاکستان تر اوسه پوری دپښتنو اوسیاتو د تیری کوونکو نظامی امپریالستی پکتونو غړی دی اوله بلی خوا دعظمت طلبانه شوونیزم دتحریك آله گرځی؛

پداسی حال کی چه دلویدیځ پاکستان یو یونت دپښتنو، بلوڅو او سندیانو دارادی او خوښی په خلاف د پخوا په شان په دوی باندی تحمیلیږی او دپښتنو او بلوڅانو دحق خود ارادیت مسأله لاتر اوسه حل شوی نه ده؛

پداسی حال کی چه ښاغلی یحیی خان په خپلی دغی وینا کی دپښتونستان دپرابلم هیڅ یادونه نه ده کړی او له افغانستان سره ئی دمناسباتو دڅرنگوالی په باره کی هیڅ ویلی نه دی اوبی اعتنائی یی کړی‌ده اوپه‌دی‌باره کی‌یی‌تر‌اوسه‌پوری کوم واقعبینانه گام چه دافغانستان او پاکستان د دوستو خلکو په گټه وی نه دی اخیستی؛

او پدغه وخت کی چه په‌پاکستان کی مارشل لانافذ دی د پښتونستان اوپاکستان دخلکو او دموکراتیك حقوق اوآزادی ټولی سلب اوترپښنو لاندی شویدی په دی وخت کی او تر دغو شرایطو لاندی دپاکستان دحکومت له خوا ددداسی یو اړخیز اوغیر دموکراتیك اقدام عواقب او نتایج پیش بینی کیدای شی او په هیڅ ډول دافغانستان، پښتونستان او دپاکستان دوروڼو خلکو له بنیادی گټو سره سمون نه کوی، دنړی په دی سیمه کی دسولی او امنیت مرام ته چه دافغانستان او پاکستان دخلکو دترقی او پرمختگ د پاره حیاتی اهمیت لری، صدمه رسوی او ددواړو هیوادو مناسبات دامپریالیزم اودنویو جگړه مارو او بین المللی ماجراغوښتونکو په گټه له پخوا نه زیات خرابوی.

موږ په دی پوهیږو چه د پښتونستان په محکومو سیمو باندی دزاړه استعمار دبقا یا وتسلط او د نوی استعمار سیاسی، اقتصادی او نظامی نفوذ، د آزاد پښتونستان، په غیر محکومو سیمو کی دقبایلی بیرته پاته نظام او فیوډالی ریاستونو وجود چه استعمار یی په ساتنه او تقویی کی لوی لاس درلودلی دی په دی سیمه کی دملی آزادی نهضت له خنډونو او مشکلاتو سره مخامخ کړی دی، ترهغه وخته پوری چه دغه موانع او مشکلات له مینځه یوړل نشی داستعماری اونوی استعماری قوتونو

«٤ مخ»

سلطانعلی کشتمند

سیاست اقتصادی حکومت

درمورد سرمایه‌گزاریهای خصوصی بسود مردم ورشداقتصادی کشور نیست

از چند سال بااینطرف مقامات مربوط حکومات افغانستان در بارهٔ «اقتصاد راهنمایی شده» کشورو ایجاد وتشویق صنایع داخلی حرفهای زیادی گفتند، ولی عملا با اتخاذ پالیسی های اقتصادی خود فساد و بی بند وباری تمام را در جمیع شئون اقتصادی کشور تشویق و ترویج کردند که از نتایج ان رکود وحشتزای اقتصادی کنونی است. در اثر چنین سیاستهای اقتصادی از آغاز مرحله، یکجا وبموازات ایجاد نطفه های کوچک صنایع‌داخلی خصوصیت کمپرادوری‌وفسادوضعف سکتور دولتی در اقتصاد کوچک و ناتوان کشور قویاًتبارز کرد. سرمایه داران‌سوداگر‌درافغانستان که‌یکان‌یکان بوجود آمد در مجموع خود به مثابه نوزادی‌معیوب‌درحالیکه‌روابط مستحکم وعمیق خود را با «مادر» فئودالی خویش حفظ کرد، فوراً خصلت دلالی را کسب نموده و وسیله بسط نفوذ استعمار نوین و امپریالیزم در کشور به مقیاس هرچه بیشتری میگردد.

نیرو های ارتجاعی سیاه فئودالی وقدرتهای استبدادی آن، استعمار و امپریالیزم باسلطه ونفوذ قوی خود در جامعه‌ما برای جلو گیری از تغییر سریع مناسبات تولیدی وبرای حفظ مناسبات کهن اجتماعی نقش تاریخی ارتجاعی خود را به بهترین نحوی ایفاء کردند. نتیجتاً درمرحلهٔ معینی از تاریخ‌تکامل جامعه (تا نیمه اول قرن بیست) از ایجادمناسبات نوین تولید سرمایه داری که باید جایگزین مناسبات کهنه تولیدی فئودالی میگردید جداًجلو گیری‌بعمل آمد وبورژوازی ملی نوزاد در نقطه خفه‌ساخته شد. اکنون که مضمون عمدهٔ عصر ما را در مقیاس جهانی انتقال از سرمایه داری‌بسوسیالزم تشکیل میدهد وبسی از کشور های کم رشد وتازه به استقلال رسیده برای رشد سریع اقتصاد وفرهنگ خود، ایجاد اقتصاد ملی وتامین استقلال اقتصادی خویش راه نوینی از تکامل جامعه را برگزیده اند، ولی در افغانستان از چندیست بدین طرف که مقامات حاکمه در عین‌حفظ پایه های قوی‌فئودالی در فکرتعویض پایه های اجتماعی متزلزل خویش افتیده اند، تلاش میورزند که راه را بر طریق رشد مترقی غیر سرمایه داری جامعه که راه رابسوی سوسیالیزم میکشاید، ببندند و نابهنگام طریق طولانی رشد سرمایه داری فاسد شده و دردآور برای خلق وطن- آنهم باخصلت قوی کمپرادوری وباحفظ نفوذ اقتصادی امپریالیزم در کشور وکندی هلاکتبار آهنگ رشد اقتصادی در پیش گرفته شود.

به همین جهت در سالهای اخیر برای تشوق وتعمیم تشبثات خصوصی

«ص ۳»

باید به فتنه گری واعمال خودسرانه

و تهدید آمیز خاتمه داده شود!

عناصر توطئه گر، مرتجعین و فتنه گران که سخت در دستگاه اداری حکومت نفوذ و خارج از آن قدرت دارند و ده ها پیوند و رشته آنها را با شبکه های خرابکارداخلی وخارجی می بندد، بخصوص بعد از بیانیه رادیوئی تاریخی ۷سرطان ښاغلی اعتمادی صدراعظم وسیعاً استفاده کرده، دست به توطئه ها ودسایس، اعمال و حرکات تحریک آمیز ضد قانونی و ضددموکراتیک زدند.

تعدادی از مبارزان وهواخواهان جریان دموکراتیک خلق افغانستان وعده‌دیگر ازعناصر آزادیخواه‌وطنپرست خود سرانه بازداشت و زندانی شدند، از مکاتب و لیسه ها اخراج گردیدند و مورد بازپرس و تهدیدات و تعقیبات پولیسی قرار گرفتند. این اعمال غیر قانونی در برابر منسوبین و خانواده های رفقای مانیز صورت گرفت، چنانچه پسران، دختران، برادران، خواهران و خانمهای رفقای ما یا از لیسه‌ها اخراج و یا تحت تحقیقات پولیسی قرار داده شدند. حتی تعدادی از پسران و دختران شاگرد وطنپرست به تلقی اینکه هواخواهی باجریان دموکراتیک خلق افغانستان وپرچم ناشراندیشه های آن داشته باشند نیز «متهم» به تحریک مظاهرات گردیده، خود و اولیای‌شان آزار دیده و هر روز از طرف پولیس واداره تحت تهدید وتخویف قرار میگیرند.

بدینقرار ضربه اساسی را در حوادث اخیر جریان دموکراتیک خلق افغانستان متحمل گردید که ما در آینده بطور مستند و مشخص دراینباره خواهیم پرداخت. ولی آنچه مایه شگفتی و دلچسپی ماست اینکه، اینوضع خصمانه در برابر جریان دموکراتیک خلق افغانستان یکبار دیگر واضحاً نشان داد، که اجنت پروکاتور ها و محرکین از فضای‌مغشوش کنونی‌بسودنقشه‌های خویش استفاده می برند. در دسایس، اتهامات و الزامات علیه مبارزان جریان دموکراتیک خلق افغانستان و منسوبین آنان باپولیس همکاراند و حتی مستند وبوضاحت اعلان مینمایند که ما مؤظفیم جریان دموکراتیک خلق افغانستان را تخریب‌و بد نام کنیم! اینکه از طرف کی‌وکدام شبکه‌موظفند اکنون دیگر معلوم و آشکار شده است!

ادامهٔ چنین وضع در برابرعناصر ملی و دموکراتیک، ترقیخواه ووطنپرست مورد اعتراض شدید افکار عامهٔ خلق کشور واقع گردیده است و ما جداً میخواهیم که به‌چنین حرکات واعمال تحریک آمیز خاتمه داده شود.

امنیت دسته جمعی برای آسیا

لیونید برژنف منشی‌اول حزب کمونیست اتحاد شوروی طی سخنرانی در جلسهٔ احزاب‌کمونست وکارگری درماسکو درماه جون بحیث یك وظیفه آینده پیشنهاد ایجاد یك سیستم امنیت دسته جمعی را برای آن‌مناطق جهان که بزرگترین خطر تصادمات مسلح در آنها وجود دارد پیشنهاد نمود. وی اظهار داشت که‌علاوه براروپا، انکشافات در آسیا ایجاب میکند که یك سیستم امنیت دسته جمعی در این منطقه ایجاد گردد.

وزیر خارجه اتحاد شوروی در آخرین جلسه شورای عالی اظهار داشت که بعضی محافل کوشش میکنند این پیشنهاد اتحاد شوروی‌را بی اعتبار جلوه دهند وادعامی‌نمایند که‌سیستم امنیت دسته جمعی آسیا بر ضد کدام کشور یا گروپی از کشورها متوجه خواهد بود. این درزمانی واقع‌شد که حتی حکومات دولتهای آسیائی فرصت مطالعه این پیشنهاد ومعنی کامل آنراپیدا نکرده بودند.

این‌نوع استدلال لفظی نه تنها ماهیت و اهمیت پیشنهاد اتحاد شوروی را تحریف میکند بلکه‌بطور ساده مخالف منطق ابتدائی‌و عقل سلیم نیز میباشد. بطور مطلق روشن است که مفکوره سیستم امنیت دسته جمعی بمنظور دفاع از حاکمیت و استقلال کشور های است که در آن سهم میگیرند.

گرومیکو بی اساس بودن این ادعاها را که سیستم امنیت دسته جمعی آسیاضدکدام‌کشورمعینی‌خواهد بود، تأکید کرد. سیستم امنیت دسته جمعی آسیا مستلزم اشتراك تمام دول آسیائی‌بشمول‌چین میباشد وتحکیم امنیت در این منطقه منفعت مشترك آنهااست.

پرچم

د افغانستان د خلک دموکراتیک افکارو خپرونکی

۱۳ – اسد ۱۳٤٦

خلقهای عرب در دفاع ازموقف عادلانه خود تنها نیستند

در حالیکه جمهوریت متحد عرب پیوسته از حل مسالمت آمیزبحران شرق میانه وتطبیق فیصله های شورای امنیت ملل متحد جانب داری می‌نماید، محافل حاکمه اسرائیل که‌از پشتیبانی همه جانبه‌امپریالیزم امریکا، آلمان غرب وانگلستان و صهیونیت جهان بر خوردار است بمنظور حفظ «سرحدات جدید» وبخاطر ارعاب وخراب ساختن معنویات اعراب‌وشکستاندن روحیه مقاومت آنها دست به تحریکات‌جدید ووسیع نظامی میزنند. درتجاوزات هوائی چند روز اخیر اسرائیل بر شهر ها ومواضع جمهوریت عرب درامتداد کانال سویزدر حدود ۸۰ طیاره اسرائیل‌شرکت‌ورزیده‌بودند. تجاوزات هوائی‌و زمینی اسرائیل بر سوریه واردن نیز کسب شدت نموده، درمناطق تحت اشغال رژیم سیاه ترور واختناق را بر قرار ساخته اند.

ادامه تحریکات نظامی واستقرار رژیم ترور واختناق وحشیانه توسط محافل حاکمه افراطی و توسعه طلب اسرائیل وضع را تاسرحد بروز یك جنگ شدید تر ووسیع تر دیگر در شرق میانه و بخطر انداختن صلح جهانی از این ناحیه بحرانی ووخیم ساخته است. حلقه های حاکمه ارتجاعی اسرائیل هرگاه‌ازسیاست توسعه‌و تجاوز دست بردار نگردند و آرزوی غیرواقعبینانه و تحقق ناپذیر تشکیل «خانه اسرائیل» رابین‌دریای‌نیل وفرات از سر نکشند. وباردیگر جنگی‌درشرق‌میانه در گیرد هیچ قدرتی نخواهد توانست اسرائیل را نجات دهد. اعراب از شکست‌خود در جنگ تجاوزکارانهٔ ۱۹٦۷ به‌اندازه کافی درس عبرت گرفته اند.

اردوی جمهوریت متحد عرب و سوریه‌بمراتب قوی تر ونیرومندتر ازسال ۱۹٦۷ است. ملل‌متحدودیگر سازمانهای بین‌المللی بیش از پیش ازموقف اعراب دفاع میکنند واسرائیل بمراتب بیشتر از آنچه قبل از تعرض ۱۹٦۷ بود، تجرید گردیده است.

اعراب دردفاع ازموقف عادلانه خود به هیچ صورت تنها نیستند. وامروز افسانه «شکست نا پذیری» اردوی اسرائیل واقعاً افسانه بیش نیست. ضربات نیرومندی راکه قوای عرب‌بر متجاوزین‌اسرائیل وارد می‌نمایند دلیل زنده‌این حقیقت است.

اسرائیل به استخدام عسکر اجیر اقدام کرده است

طبق راپور های منتشره درجراید وروز نامه های عربی اسرائیل برای اردوی خوددراروپای‌غربی به‌استخدام عساکر اجیر اقدام نموده ودرحدود «۷۰» نفر از آلمان غرب ثبت نام شده اند.

این یگانه نمونه همکاری بین امپریالیستهای آلمان غرب و محافل نظامی اسرائیل نیست. تنها در سال ۱۹٦۸ آلمان غرب ۱٤۰ ملیون مارك به اسرائیل اعتبار داد. در گذشته ۲٤۰۰ ملیون دالر که ۵۰۰ ملیون آن برای مقاصد نظامی بود از طرف آلمان غرب به اسرائیل کمك گردیده است. در اخیر سال۱۹٦۸ قرار دادی بین آلمان غرب واسرائیل به امضا رسید که بر اساس آن به قیمت ۳۵۰۰ ملیون مارك تانك به اسرائیل داده میشود.

در پشتیبانی از یك مبارزه عادلانه

دارالانشاء اجرائیه سازمان همبستگی‌افریقا، آسیا وامریکای‌لاتین (اسپال) بمناسبت روز بین‌المللی همبستگی با مبارزه خلق جاپان وانعقاد پانزدهمین کنفرانس تحریم سلاح اتومی و هیدروجنی درخواستی نشر نمود.

دردرخواست گفته میشود که‌مردم جاپان سال‌به سال‌مبارزه خود را بر ضد احیای مجدد میلتاریزم در کشور واشغال نظامی امریکا شدت می بخشند. این مبارزه‌وسیع ترین بخشهای نفوس، بخصوص کارگران ومحصلان را دربر میگیرد که‌برای تمام مردم قاره آسیا‌اهمیت خاص‌دارد.

درسر زمین جاپان تقریباً ۲۰۰۰ پایگاه نظامی امریکاوجود دارد که برای مقاصد تعرضی‌درجنگ‌ویتنام وبرای اعمال تحریك آمیز جاسوسی بر ضد کشورهای آسیائی مورد استفاده قرار میگیرند.

دارالانشاء اجرائیه آسیائی پشتیبانی کامل خود را بخاطر انعقاد پانزدهمین کنفرانس تحریم سلاح اتومی و هیدروجنی که‌از تاریخ ۳۰ جولای تا نه اگست در جاپان منعقد خواهد شد ابرازمی‌دارد واز تمام سازمانهای که با اسپال توأمیت دارند واز سازمانها ونیرو های مترقی تمام جهان خواهشمند است که روز ٦ اگست رابحیث روز همبستگی بامبارزه‌خلق جاپان تجلیل کنند.

پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

صاحب امتیاز: سلیمان لایق

مدیر مسؤول: میراکبر خیبر

آدرس: محمدجانخان وات – زرلښت مارکیت

تلفون: ۲۳۱٦٤

دولتی مطبعه

ناصر وائی: هغه‌سیمی چه په‌زور نیولی شوی دی په زور به بیرته

آزادی شی

جمال عبدالناصر دعربی سوسیالیستی اتحاد‌گوند په جلسه کې د یوی وینا په ترځ کی‌وویل: د عربی هیوادو خلك د اسرائیلو په څیره کی چه‌دامپریالیزم نوکر دی خپل لرغونی دښمن وینی. اعراب پوهیږی چه دامریکې او انگلستان له‌خوا په جدی ډول د اسرائیلو ملاتړ کیږی. که داسی نه وای اسرائیل کله کولای‌شی چه‌د عربو‌سیمی‌لاندی‌کړی اود ملگرو‌ملتو دفیصلو له تطبیق‌څخه غاړه وغړوی.

جمال عبدالناصر وویل: له اسرائیلو سره دمقابلی دپاره‌دعربی قواوو هم آهنگ کول یو ضروری کاردی. ده له عربو سره دشوروی اتحاد له بید ریغه مرستو څخه تشکر وکړ. جمال عبدالناصر د آلمان دموکراتیك‌جمهوریت یوسوله غوښتونکی‌اود عربی‌هیوادو دوست هیواد‌په حیث یاد کړ.

جمال ناصر له شوروی اتحاد سره دنوی تړون په برخه کی‌وویل: دغه تړون د متحد عربی جمهوریت اقتصادی وده پیاوړی کوی اودهغه په اساس به په متحد عربی‌جمهوریت کی‌څو ستری کیمیاوی‌فابریکی‌جوړی شی. ده د اسرائیلو په باره کښی وویل چه‌اسرائیل په لجاجت سره هیڅ بین‌المللی فیصله نه منی او خپلو تیریو ته ادامه ورکوی، عربی سیمی نه خوشی کوی او په نیول شویو سیمو کی‌په‌خلکو باندی ظلم کوی. ده وویل هغه سیمی چه‌په زور نیولی شوی دی په زور به بیرته‌واخستلی شی.

افتضاحات تازه سیا (سی. آی. ای)

شبکه بزرگ جاسوسی «سیا» در عراق کشف گردید:

عمال سی. آی. ای (ادارهٔ مرکزی استخبارات امریکا» به جرایم و خیانتهای ضد ملی خویش اعتراف کردند و نقشه های این سازمان خطرناك، تجاوزکار پلید را علیه استقلال وحاکمیت ملی‌عراق افشاء نمودند. در جمله کسانیکه تاکنون به جرایم ضد ملی خود بحیث‌گماشته سی.آی.ای اعتراف‌نموده بریدجنرال رشید مصلح میباشد که در رژیم‌های گذشته عراق بحیث گورنر جنرال نظامی ووزیر داخله اجرای وظیفه نموده است.

معرفی کنندهٔ‌رشید مصلح‌دررادیو تلویزیون بغداد طی بیانیه ای اظهار داشت «... در نتیجه فعالیتهای جاسوسی چنین عناصر آفات‌ومصایب زیادی برکشور مردم وملت ما وارد گردیده است.

گماشتگان دشمنان ما اسرار مارا میفروختند. وطن ما، خلق ما، ملت ما واردوی مارا بحیث یك هدف سهل به دشمن افشاء میکردند تاپس ازآنکه خاك مارا اشغال کنند راه را برای کشتن، خون ریزی، توهین‌ملت را و غارت کردن ثروت آن هموار نمایند ...»

روز نامهٔ بغداد آبزرور از قول روزنامهٔ الجمهوریت عراق مینویسد: «انقلاب ۱۷ جولای با وارد کردن ضربات پیهم به شبکه های‌جاسوسی همنوائی با مبارزات اوج گیرندهٔ پارتیزانها وفلج کردن دسایس‌محافل مرتد ومرتجع داخلی وخارجی، نقطه چرخش مهمی را در مبارزه مرگ وزندگی که ملت عرب برضد اتحاد ارتجاعی امپریالیستی وصهیونی‌پیش میبرند تشکیل میدهد.»

روز نامه می نویسد: «مقابله شجیعانه انقلاب با امپریالیزم، صهیونیزم و ارتجاع باثبات رسانید که توده های عرب میتوانند بار این مبارزه را بدوش کشند ...»

بغداد آبزرور از قول روز نامه الثوره مینویسد که «ازبین بردن شبکه های جاسوسی و خورد کردن پایه های‌که نیروی ارتجاعی استوار است یك امر تصادفی نمیباشد انقلاب عراق تمام عواقب این مبارزه را در نظر دارد.»

محاکمه عمال «سیا» در سودان:

یکعده از عناصر مربوط به رژیم سابق سودان در آینده نزدیك بجرم خیانت‌ملی تحت‌محاکمه‌گرفته‌خواهند شد. رئیس محکمه گفته است که بسیاری از عناصر مذکور مأمورین دولت و عمال اداره جاسوسی امریکا «سی. آی. ای» میباشند که بنام سودانی به ملت سودان خیانت کرده اند.

اداره مرکز جاسوسی امریکا (سیا)

از دکتاتوری‌نظامی دریونان حمایت مینماید:

پاپاندریو پیمان اتلانتیك شمالی و سی.آی.ای را به پشتیبانی از دکتاتوری نظامی آتن محکوم ساخت. همچنان اندریاس‌پاپاندریو رهبر تبعید شده یونان، ناتو وادارهٔ جاسوسی امریکا، «سیا» را به پشتیبانی از کودتای نظامی۱۹٦۷ دریونان محکوم نمود.

پاپاندریو که پنجاه سال دارد واکنون درسویدن‌بسر میبرددرکنگره بین‌المللی سوسیالیستها اظهار داشت که وزارتهای دفاع و خارجه ایالات متحده امریکا از آنجهت از رژیم نظامی یونان حمایه مینمایندکه رژیم مذکور تسهیلاتی را برای‌ورود کشتی های جنگی مربوط به بحریهٔ نمبر ٦ امریکا فراهم میآورد. وی‌گفت که حکومت نظامی فعلی یونان بنیاد اجتماعی ندارد وبه اشاره واشنگتن کار مینماید.

جریدهٔ افغان ملت مصادره شد

قراراطلاع‌جریده‌افغان‌ملت مصادره، مدیر مسؤول وبرخی ازنویسندگان‌آن به عرصه های مختلف حبس وجریمه‌نقدی محکوم گردیدند.

ما دربرابر این‌عمل ضددموکراسی‌جداً اعتراض می‌نمائیم.

تصحیح ضروری

– درشماره هجدهم «۳۰ سرطان» درمضمون «خشم‌ونفرت‌مردم امریکای لاتین علیه امپریالیزم امریکا»، صفحه چهارم، ستون دوم، سطر ۳۸اشتباهاً قروض خارجی‌برازیل ٤۰۰۰۰۰ملیون دالر درج گردیده به ٤۰۰۰ ملیون دالر تصحیح گردد.

– درشمارهٔ‌نزدهم «٦ اسد»دربقیه مضمون «نیروی ملی عامل عمده پیروزیست»، صفحه دوم، ستون چهارم، سطر ٦کلمه«نشود» به«شود» تصحیح گردد.

– در شماره نزدهم درمضمون «وظایف مبارزه در مرحله کنونی‌علیه امپریالیزم» صفحه دوم، ستون سوم، سطر ۲ «مدت»به «حدت» ودرسطون پنجم، سطر ۵ «صفحه سوم» همین مضمون «بمشابه» به «بمثابه»‌تصحیح شود.

اعتصاب کارگران زحمتکش پروژه

مرغداری بگرامی

چهار شنبه (۸ اسد) گروه کثیر کارگران پروژهٔ مرغداری بگرامی بمنظور تأمین برخی ازمطالبات ضروری شان دست‌به اعتصاب‌زدند. علت فوری اعتصاب کارگران زحمتکش پروژه را علاوه بردشواری های دیگر و شرایط سخت کار، عدم اجرای دستمزد شان از تاریخ ۱۵ جوزای سال جاری تا همین روز تشکیل میداد. برای اینکه ایشان صدای اعتراض خود را بگوش‌مقامات مسؤول (!) برسانند، بصورت آرام و منظم از محل کار در بگرامی کابل بساعت هشت صبح بسوی شهر رهسپار شدند و در بالای کوتل بگرامی اجتماعی را تشکیل دادند که در آن هدف ازاعتصاب و حرکت شانرا روشن و صفوف خود را منظم ساختند و فشرده بسوی شهر حرکت کردند.

کارگران وطنپرست پروژه‌پس از طی فاصلهٔ زیاد در حوالی‌ساعت ۲ بعد از ظهر در مقابل سینمای‌پامیر رسیدند، ولی بمقاومت پولیس مواجه شدند. کارگران که تصمیم گرفته بودند، مقامات «مسؤول» را از وضع بدی که در برابر شان صورت می گیرد، آگاه سازند، بنابران علی‌رغم ممانعت به حرکت خویش جانب وزارت زراعت و آبیاری ادامه دادند.

در دهمزنگ، جائیکه کارگران آخرین اجتماع خویش را بوجود آوردند، علاوه بر مأموران پولیس عدهٔ از مأموران ذیصلاح وزارت زراعت و آبیاری نیز دربرابر ایشان حاضر گردیده ووعده بر آورده‌شدن خواستهای قانونی ایشانرا دادند. کارگران نظربه تجارب تلخی که‌از چنین وعده ها داشتند مقاومت کردند تا رسماً بایشان در مورد بر آورده شدن مطالبات شان تعهد سپرده شود.

وزارت زراعت و آبیاری مجبور گردید که برخی از خواستهای کارگران پروژهٔ مرغداری که عمده ترین آن اجرای فوری دستمزد های دو ماههٔ شان‌میباشد، به‌پذیرد. ولی اطلاع بعدی میرساند که علی رغم اعتصاب، حرکت‌واجتماع قانونی و مسالمت آمیز کارگران، پولیس عده‌ئی از کارگران آگاه پروژه را بازداشت کرد.

اجتماع کارگران پروژهٔ مرغداری بگرامی درحوالی ساعت ۳ بعدازظهر در دهمزنگ پایان یافت.

(لومړی مخ پاتې)

دپاکستان حاکمه محافلو...

دمداخلی اوتیری په غرض دهغوی له وجود څخه ډیره گټه اخیستل کیږی. خو دغه موانع او مشکلات باید په داسی توگه له مینځه یوړل شی چه دپښتونستان دخلکو دحق خود ارادیت په لاره کی توطئه‌نه‌وی، نوی خنډونه ایجاد نکړی او داستعماری ماهیت ونه لری. دا ځکه چه، له کلونو را په دی خوا دپاکستان دحاکمه محافلو سیاست په دی سیمو کی استعماری‌او جابرانه‌ونو که‌څه‌هم دغه نوی اقدام‌تش په نامه‌د«ضد فئودالی» مانور هم وی، نوی استعمار توطئه ښکاری.

دتاریخ آمرانه ضرورت حکم کوی چه دپاکستان له خوا دپښتونستان په سیمو کی ددغو خود سرانه او یواړخیزو اقداماتو دممکنو عواقبو اوبدو نتایجو دمخنیوی په غرض په هیواد کښی د ننه دپراخو او بنیادی دملی‌اودیموکراتیکو اصلاحاتو پروگرام طرح او تر اجرا لاندی و نیول شی، په تیره‌ده‌یواد په ختیزو، جنوبی او جنوب لویدیزو سیموکی‌قبیلوی اوعشیروی نظام ژر تر ژره پای‌ته‌و رسول شی.

دپښتونستان دملی آزادی له نهضت سره په ملی او جهانی‌سویه دمرستی او همکاری زمینی مساعدی کړای شی او دپاکستان ددغو اقداماتو په مقابل کی یو مشخص ملی دریځ د پښتونستان دملی او مترقی مشرانو په مشوره ونیول شی.

دپاکستان دحکومت ددغو توسعه طلبانه اقداماتو او غیر دموکراتیکو اجراآتو په مقابل کی چپ پاته کیدل نه یوازی دپښتونستان له مرام سره بی اعتنایی کول دی بلکه په نهایی تحلیل یی دافغانستان دخاوری له تمامیت او ملی حاکمیت سره هم ستره بی اعتنایی ده او له دی ستر ملی مسؤولیت څخه هیڅ څوك ځان نشی خلاصولای.

موږ دپاکستان دحاکمه محافلو دد غه ناشیانه اقدام په نسبت خپله کلکه خواشینی څرگندوو اوله دغه کار څخه دراپیدا کیدونکو عواقبو مسؤولیت‌به یوازی اویوازی ددوی په غاړه وی.

موږ دپښتونستان ورور ولس ته، د افغانستان خلك دموکراتیك جریان له خوا داډ ورکوو چه ورور به ددوی په ضد استعماری او ضدامپریالیستی عادلانه مبارزه کی یوازی پری نږدو اوله خپلو ټولو امکاناتو څخه به دوی سره دمرستی په خاطر استفاده وکړو او په دی برخه کی‌به‌په‌خپله‌ملی اوبین المللی وظیفه په میړانه او شرافت سره سرته ورسوو. تاسی یوازی نه یاست.

موږ پدی ټینگ باور لرو چه دپښتونستان او بلوچستان ورورونه ولسونه به په دغی عادلانه مبارزی کی بریالی شی. اود سولی او آزادی پرچم (بیرغ) به دآسیا پدی سیمی کی پورته کړی.

بقیه از صفحه اول

باید شعله‌های جهنمی...

وتعمیم تنور و فرهنگ مترقی در جامعه جلو گیری میشود.

در برابر هر گونه تغییر درجهت منافع خلق بمنظور حفظ موضع ممتاز طبقات صاحب‌امتیاز جامعه حساسیت نشان داده میشود وکار شکنی های گوناگونی‌صورت میگیرد، بازار های کشور بطور روز افزونی بر روی اموال‌بی لزوم استهلاکی کشور های سرمایه‌داری وکشور های وابسته گشوده میشود، غارتگری های نمایندگی های انحصارات امپریالیستی درکشورما هر روز بیشتر می گردد.

قاچاق وقاچاقبری طوری وسعت پیدا مینماید که در هر گونه معامله ای داد وستد، حتماً پای‌آن‌درمیان میباشد. کشاندن کشور جهت عقد قرار داد های نا برابر با کشور های امپریالیستی ووابسته وایجاد زمینه برای نفوذ این کشور ها در امور داخلی ما وهمچنان تفرقه اندازی ونفاق افگنی در میان مردم وجلو گیری از وحدت واتحاد میان نیرو های ملی و دموکراتیک، ترقیخواه ووطنپرست و خلق‌کشور از وظایف عام وتاثیرات سوء این دشمنان خلق وطن ما میباشد.

وجود ننگین این دشمنان محیل خلق افغانستان یعنی استبداد، ارتجاع واستعمار وعمال کهنه کار آنها: مستبدین، مرتجعین واستعمارگران وعناصر امپریالیست پرست است که مانع عمده‌واساسی در راه رشد مستقل وسریع اقتصاد وفرهنگ کشور ما میباشد وموجب محرومیت‌های مادی ومعنوی خلق آزادی دوست و دلیر وطن ما گردیده است. لهذا وظیفه اساسی تمام نیرو های وطنپرست وتحول طلب ضد استبداد، ضد ارتجاع وضداستعمار است که برای‌برچیدن بساط منحوس این سه دشمن سرسخت مصالح‌خلق‌کشورمتحدانه عمل کنند وشعله های جهنمی این اژدهای محیل وخطرناك راخاموش سازند.

مصالحه اصولی با مصالحه خائنانه فرق دارد!

ببرک کارم

بدون شک نهضت کنونی افغانستان در مرحله بیماری کودکی و یا بیماری رشد خود قرار دارد. بدینجهت هستند افرادیکه خود راترقیخواه وپیشرو بشمار می آورند. ولی اصول خلاق تئوری وتکتیك مترقی وپیشرو را درك نمیکنند ودر سیاست معامله گری، اپورتونیزم و تسلیم طلبی را بجای مصالحه اصولی میگیرند.

همچنان هستند کسانیکه با قطعیت تمام هر گونه مصالحه اصولی را رد مینمایند و تنها هدف غائی را می بینند، اینها میگویند «ما پیشروان نوین‌هستیم، میخواهیم بدون توقف بغرض محو نظام‌بهره کشی فرد از فرد ومحو طبقات که دیگر جایی برای مالکیت شخصی بر زمین وتمام و سایل تولیدوجود نداشته باشد، بـه هدف عالی خویش برسیم، لذا باید همیشه تعرض کنیم و به هیچ مصالحه ای تن در ندهیم ...»

اینها همان «چپهای نوین» اند که‌وقتی جبین شان در اولین مرحله تعرض بـه دژ ارتجاع بر میخورد، سر گیجه میشوند، موازنه خود را از دست میدهند واز اپورتونیزم «چپ» به‌اپورتونیزم راست سقوط میکنند، این همان «چپهای انقلابی» اندکه **اراده** داشتند تا بدون توقف در ایستگاههای بین راه و بدون تن در دادن **به‌مصالحه اصولی** (کـه در مسیر تکامل تاریخی امری لابدی است) چهارنعل وبیك «خیز» خود را به «هدف غائی» برسانند و پرچم انقلاب را به‌اهتزاز در آورند، قدرت را بدست‌گیرند وفردا سوسیالیزم را بر قرار سازند. چه هوس معصومانه! و «چه ساده لوحی کودکانه ایست‌که انسان نا شکیبائی شخص خود را استدلال تئوریك جلوه گرسازد!». چقدر «چپهای» بسیار خورد سال وبی تجربه ما ناشکیبا هستند واین حرفهای ما آنها را عصبانی‌میسازد! رفقای عزیز بی حوصله نشوید! ما مستند حرف میزنیم، روحیهٔ انقلابی را تضعیف نمیکنیم، بلکه بالعکس سعی ما در اینست‌تاروحیهٔ انقلابی ومبارزه سرسختانه انقلابیون ما جهت اصولی یابد. لطفاً بخود زحمت دهید، یکبار «مرض کودکی» را مطالعه کنید، دانش جوان شما پرمایه میگردد!

توجه کنید از مصالحه تا مصالحه فرق است: (۱) مصالحه اصولی‌که شرایط عینی ایجاب میکند، (۲) مصالحه خائنانه ایکه جبن ومعامله گری موجب آن میگردد. مثلا کارگران در جریان مبارزات اعتصابی گاهی مجبور میگردند که با کارفرمایان‌ستمگر واستثمارگران منفور از در مصالحه پیش آیند و به اعتصابات خود حتی بدون اخذ نتیجه ویا در مقابل بر آورده شدن خواستهای جزئی شان خاتمه دهند واین در حقیقت مصالحه ایست که شرایط عینی آنرا ایجاب میکند. به اینمعنی که یا کارگران هنوز اتحادیه ندارند واگر دارند صندوق آن خالی است، ازبرون اتحادیه هم کمك نمیشوند، گرسنگی خود و خانواده شان دیگر قابل تحمل نمیباشد ویا اینکه آمادگی برای ادامهٔ اعتصاب درمیان کارگران وجود ندارد و مقاومت آنان طوری در هم می شکند که روحیهٔ مبارزه را تضعیف مینماید. این نوع مصالحه هیچگاه بمعنی تسلیم طلبی، آشتی طبقاتی، از دست دادن روحیهٔ انقلابی وختم مبارزه در آینده تلقی شده نمیتواند. ولی در مقابل نوع مصالحه ای وجود دارد که در جریان اوج‌نهضت اعتصابی وامکان پیروزی توسط یکعده نفاق افگنان، فتنه گران واعتصاب شکنان صورت می گیرد که منشاء اینچنین مصالحه ها وسازشها یا جبن و یا معامله‌گری با کار فرمایان وسرمایه داران است.

مشابه باین در نهضت دانشجوئی ور وشنفکری نیز چنین حالاتی بوجود می آید. در هر صورت بین این دو نوع مصالحه یعنی مصالحه اصولی بحکم ایجابات وشرایط عینی و مصالحه غیر لازمی بمعنی معامله گری وسازشکاری راست واپورتونیزم همیشه فرق اساسی وجود دارد.

البته باید خاطر نشان ساخت که درسیاست بخصوص تشخیص صحیح خصلت‌واقعی مصالحه اصولی یا مشروع و مصالحه غیر اصولی ویا غیر مشروع و تفریق آنها ازهم فوق العاده مشکل و پیچیده است. درسیاست مواردی پیش می آیدکه تشخیص درست شرایط ملی، وبین المللی، روابط میان طبقات ونیرو های طبقاتی یا احزاب، حکومت و احزاب ووضع سیاسی بمراتب مشکل تر از موضوع‌تعیین حد فاصل میان مصالحه مشروع ومصالحه خائنانه بهنگام اعتصابات وتظاهرات کارگران وروشنفکران است. بدینجهت صدور یك‌نسخه واحد و عام و مطلق در همه حالات وبدون مطالعه دقیق شرایط‌وبررسی همه جانبهٔ آن ناصحیح است. همانطوریکه مصالحهٔ غیر لازم‌وغیر مجاز جنبهٔ معامله‌گری وسازشکاری راست را بخود میگیرد، تکرار این آهنگ نیزکه «هیچ مصالحه ای مأذون نیست! باید هر گونه مصالحه ای را .. وهر گونه سیاست مانور وسازشکاری را با قطعیت تمام رد کرد»، کارکودکانه ومهمل است. باید با مغز سرد اندیشید، اوضاع واحوال سیاسی را بدرستی تشخیص داد. این امر از طرف آن احزاب‌ورهبرانی تامین شده میتواندکه با کار طولانی وسرسخت وهمه جانبه معلومات وتجربه لازم کسب کنند و شم سیاسی لازم را برای حل سریع ودرست مسایل سیاسی که اغلباً مغلق وپیچیده میباشند در خود پرورش دهند.

جای تاسف است که «چپهای انقلابیگر وطنی» ما ساده‌لوحانه ونا شیانه مثل چپهای منحرف سلف خود لفظاً حکم‌صادر مینمایند (یادستور میگیرند ...) که اگر به «مصالحه» بطورکلی اجازه داده‌شود، سرحد بین اپورتونیزم وسیاست واقعی انقلابی از میان میرود.

اکنون مشکل در ینجاست، چطور باین آقایان فهماند که تمام حد فاصل ها چه درطبیعت وچه در جامعه «متحرك وتا حدود معینی مشروط» اند. فقط زندگی، مبارزه، تجربه سیاسی و آموزش مترقی میتواند به آنها کمك کند تا درست را از نادرست تشخیص دهند!

این اصل مسلم است که باید بصورت آشتی ناپذیرعلیه اپورتونیزم مبارزه کرد وباید در سیاست‌عملی توان آنرا داشت که درهرلحظه تاریخی معین، در هر وضع خاص سیاسی مصالحه های نا مشروع، غیر مجاز وخائنانه را که مظهری از اپورتونیزم و تسلیم طلبی است، درست تشخیص داد ومجدانه علیه آنها مبارزه کرد. ولی سوال درینجاست که «چپهای وطنی» مابکدام دلیل علمی وتاریخی بصورت مطلق در هر گونه شرایط ودر هر زمان ومکان هر گونه سیاست مانور ومصالحه مجاز ومشروع رابا قطعیت تمام رد میکنند.

نمیتوان باور کرد که «رهبران چپهای وطنی» با اینهمه ادعا های بزرگ (!) تاریخ جریانات ترقیخواه پیشرو را اقلا یکبارمرور نکرده باشند ویا ندانند که‌سراپای تاریخ احزاب پیشرو انقلابی از ۱۸۴۸ به بعد در تمام ملل جهان (خواه قبل ازپیروزی انقلاب وخواه بعد از آن) منجمله دیگر قطب های مبارزه «**مشحون** از موارد مانور ومصالحه» است.

مبارزه در راه نیل به هدف غائی شبیه بالا رفتن به قله کوه شامخ ونا منکشفی است که انسان مجبور است بهنگام صعود گاهی با پیچ وخم بالا رود و گاهی به عقب بر گردد وباز هم بالا رود و راه های گوناگون را آزمایش کند.

اشتباه بزرگ خواهد بود هر گاه فکر شود که فعالیت سیاسی عبارت از سواری موتر، آنهم در جادهٔ اسفلت دار الامان و رسیدن به قصر دار الامان است. پیروزی بر دشمنان خلق کشور کـه در وضع کنونی نیرو مندی آن معلوم است در صورتی امکان پذیر میباشد که تضاد های گوناگون میان نیرو های مخالف سیاسی تشخیص گردد، درست ونادرست ازهم تفکیك شود واز هر امکان ولو کوچك باشد برای بدست آوردن متفق (حتی متفق مؤقت، مردد، ناپایدار، متزلزل، غیر قابل اعتمادومشروط) اصولا استفاده شود، ولی مشروط برینکه با نهایت دقت و مواظبت واحتیاط عمل نمود.

کسیکه این تکتیك های مبارزه را در جریان یك نبرد طولانی و در اوضاع واحوال مختلف سیاسی (چه قبل از احراز قدرت سیاسی توسط خلق وچه در جریان پیروزی وبعد از آن) بدرستی تشخیص ندهد و آنرا بموقع بکار برده نتواند در حقیقت هنوز نفهمیده‌است که چگونه باید به توده های وسیع خلق در مبارزه شان بخاطر رهائی از قید ستم و استثمار کمك کند.

درست است که از دادن قربانی نباید ترسید، ولی وظیفه انقلابیون و جریانات چپ و فادار به خلق همیشه اینست که وسایل مشروع واصولی رابکار برد تا در امر نجات خلق از قربانیهای گران، بی لزوم و بیشمار احتراز گردد. «قبول نبرد در هنگامیکه این امر مسلماً بسود دشمن تمام خواهد شد نه بسود ما، در حکم جنایت است و آن سیاستمداران طبقه انقلابی که برای شانه خالی کردن از زیر بار نبردی که مسلماً صرفه ندارد قادر به «مانور ...ومصالحه» نیستند، بهیچ دردی نمیخورند».

ولی شگفت انگیز وتاسف آور است‌که از مدتی بدینطرف‌گروههای چپ نمای نوین و قهرمانان (!) مبارزه طبقاتی وانقلابیگرانی در

(ص ۳)

۲

وظایف مبارزه در مرحله کنونی علیه امپریالیزم...

تضاد های موجود بین نیرو های امپریالیستی را به وخامت‌کشانیده وتضاد های جدیدی را بوجود آورده است. پیروزیهای خلق قهرمان ویتنام ثبوت قانع کنندهٔ این حقیقت است که امروز برای مردمیکه بخواهد به استفاده از تمام وسایل از استقلال، حاکمیت و آزادی خود دفاع نماید، امکان بیشتری بوجود آمده و از پشتیبانی وسیع بین المللی بر خوردار میباشند تا تجاوز امپریالستی را عقب زنند.

تجاوز اسرائیل بر جمهوری‌متحد عرب، سوریه و اردن یك بحران وخیم بین المللی را **در شرق میانه** بوجود آورده است.

امپریالزم ودر درجه اول‌امپریالزم ایالات متحده امریکا از طریق این تجاوز میخواست رژیم های مترقی در کشور های عربی را از بین ببرد وبدینوسیله جنبش آزادیبخش ملی عرب را تخریب کند و مواضع خود راحفظ یا دو باره بدست آورد. آنها این کار را کرده نتوانستند، باوجود آن نیرو های حاکمه اسرائیل بـه پشتیبانی از ارتجاع جهانی بشمول محافل صهیونی تقاضاهای دولتهای عربی ومردمان صلحدوست وفیصله های ملل متحد را راجع به بیرون کشیدن عساکر اسرائیلی از مناطق اشغال شده در نظر نمیگیرند وبرسیاست توسعه والحاق اصرار می ورزند و پیوسته مرتکب‌تحریکات مسلحانه جدید می گردند. حزب کمونیست و دیگر نیرو های مترقی اسرائیل بااین سیاست مخالفت می کنند. ملتهای عرب با عزم محکم به مبارزه خود در راه حفظ وتقویه آزادی، استقلال وترقی ملی، بخاطر آزاد ساختن تمام مناطق تحت اشغال، وبمنظور برسمیت شناختن حقوق ملی خلق عرب فلسطین ادامه میدهند. جنبش مقاومت ضد اشغال روبه ازدیاد است واشکال مختلفی را بـه خود میگیرد واز پشتیبانی هرچه بیشتر برخوردار می باشد. اتحاد شوروی ودیگر کشور های سوسیالستی، جنبش بین المللی کمونستی، همبستگی نیرو های آزادیبخش ملی ومحافل وسیعتر عامه در کشور های عربی از ملتهای عرب‌جانبداری میکنند.

امپریالیزم ایالات متحده امریکا از پلانهای خوددر باره مختنق‌ساختن **کیوبای** انقلابی دست بر دارنگردیده است. مانند گذشته استقلال جمهوریت کیوبا را تهدید میکند. و در مخالفت صریح باحقوق‌بین‌المللی تلاش می ورزد آنرا به **محاصره** اقتصادی بکشاند وبر ضد آن بـه اعمال فتنه گرانه وتخریبی‌میپردازد.

ولی خلق شجاع کیوبابار هبری حزب کمونیست وپشتیبانی اتحاد شوروی، دیگر کشور های‌سوسیالستی، نیرو های مترقی امریکای لاتین و تمام جنبش انقلابی به شدت از حاکمیت وآزادی‌خودوبدینوسیله از جبههٔ مقدم سوسیالیزم درقاره امریکا دفاع میکند.

در اروپا دسته بندی اتلانتیك شمالی بحیث آلهٔ عمده تجاوز امپریالیستی ومانورجوئی‌همچنان فعال‌است، اتحاد واشنگتن وبن‌محور این دسته بندی را **تشکیل میدهد**. محافل حاکمه ایالات متحده امریکا، جمهوری فدرال آلمان و برتانیه آخرین تلاش خودرا بخرج میدهند تا موجودیت بلاك‌اتلانتیك شمالی خلاف میل واراده مردم‌اروپا ادامه پیدا کند، سازمان آنرا تقویه نمایند و«حضورنظامی» ایالات‌متحده امریکا را در اروپا حفظ کنند.

میلیتاریزم آلمان غرب‌که منبع عمده خطر جنگ را در قلب اروپا تشکیل میدهد بطور عمده بکمك‌ناتو احیاء ونیرو مند گردید. محافل حاکمه امپریالیست جمهوری فدرال آلمان، جائیکه در آن نازیزم‌جدید ومیلیتاریزم قوت می‌گیرد، پروگرام انتقام جویانه خود را راجع به‌تجدید نظر بر نتایج جنگ دوم جهانی وتغییر سرحدات بعضی کشورهای اروپائی مصرانه تعقیب می نماید.

این سیاست که در درجه اول‌برضد جمهوری دموکراتیك آلمان، نخستین دولت سوسیالستی کارگران دهقانان درتاریخ آلمان میباشد، امنیت تمام خلقهای اروپا و صلح جهان را مورد تهدید قرار میدهد.

کشور های بحیره روم مقام مهمی را در پلان های امپریالیزم احراز می نمایند. امپریالیزم ایالات متحده امریکا کـه پایگاه های مهمی در هسپانیه دارد به پشتیبانی خود از رژیم فرانکو ادامه میدهد وبه‌آن کمك میکند که برخلاف اراده مردم پیکار جوی هسپانیه موجودیت خود را حفظ‌کند. اردوی (نمبر ۶) امریکا و سیستم پایگاه های‌نظامی آن‌که تهدیدی را برای مردم وصلح این منطقه بوجود می آورد یك آله دایمی فشار سیاسی ونظامی در مدیترانه میباشد. بعین طریق، خرابی مکرر اوضاع درقبرس وکودتای فاشستی در یونان کاردستی امپریالیستهاست که شورای نظامی دگرمنها را در آن کشور تقویه میکند.

جنوب شرق آسیا و شرق دور یکی از ناحیه های عمده تجاوز امپریالستی وقمار های نظامی آن میباشد. علاوه بر سیتو **وانزوس** ومعاهده به اصطلاح‌امنیت بین ایالات متحده و جاپان، اشغال واقعی مناطق جنوب غربی‌بحر الکاهل و بحر هند توسط قوای نظامی ایالات متحده امریکامیباشد. تمام این سیستم در درجه اول‌برضد کشور های سوسیالستی آسیا، جنبش آزادیبخش ملی، همچنان بر ضد کشور های بی‌طرف وغیر منسلك این ناحیه متوجه میباشد.

امپریالستهای ایالات متحده امریکا به اشغال فارموسا که جزء لاینفك جمهوریت مردم چین‌میباشد ادامه میدهد. از اعاده حقوق مشروع، چین در ملل متحد جلوگیری می نمایند. امپریالیستها ایالات متحده امریکا به تحریکات مسلحانه علیه جمهوری دموکراتیك توده ای کوریا واشغال نظامی کوریای جنوبی واعمال حکومت مطلقه، مختنق ساختن نیرو های مترقی که بخاطر آزادی ووحدت مجددکشور خود مبارزه می کنند ادامه میدهند. آنها بر ضد لاوس وکمبودیا مرتکب تجاوز وتحریك میگردند. درتایلند به تاسیس پایگاه های نظامی پرداخته پیوسته آنها راتوسعه میدهند. آنها بر هند فشاروارد میکنند تاآن کشورراه عدم انسلاك ورشدمستقل‌اقتصادی راترك نماید.

امپریالستها کودتای ضد مردمی اندونیزیا را که از طرف محافل ارتجاعی بعمل آمده وصدها هزار کمونیست ودموکرات را جسماً از بین برده است و هنوز به اعمال خونین خود ادامه میدهند، حمایت می نمایند، همه این منجر به ازبین رفتن تمام دست آورد های انقلاب اندونیزیا می گردد و آن کشور را به محرومیت از استقلال آن تهدید می نماید.

امپریالیزم در تعدادی از کشور های افریقائی فعالتر گردیده است. سعی میکند جلو رشد مبارزه آزادی بخش را بگیرد ومواضع خود را در این قاره حفظ وتقویه کند. امپریالیستهای برتانوی وفرانسوی وامپریالیستهای ایالات‌متحده، آلمان غرب وجاپان وسیعاً شیوه های استعمار نو، نفوذ واسارت اقتصادی سیاسی وایدیولوژیکی را بکار می بندند.

مداخله مسلحانه در کانگو (کنشاسا)، کودتای ارتجاعی در گانا و بعضی کشور های دیگر، نقشه های امپریالستی تجزیه نایجریا، پشتیبانی سیاسی‌ونظامی از محافل ارتجاعی وضد ملی، رژیم های فاشستی و نژاد پرست در جمهوری افریقای جنوبی‌وروودشیای جنوبی، دامن زدن اختلافات‌میان دول ونزاع های قبیلوی، فشار اقتصادی و توسعه طلبی‌انحصارات‌ـ همه در راه پیشبرد پلانهای امپریالستی‌خدمت میکنند. استعمارگران پرتگالی که از طرف پیمان اتلانتیك شمالی پشتیبانی میگردد تلاش دارد، تا متصرفات خود را با زور اسلحه حفظ نماید.

امپریالیزم ایالات متحده امریکا به رسوخ اقتصادی و همچنان به مداخلات سیاسی، ایدیولوژیکی وفرهنگی خود در کشورهای‌امریکای لاتین ادامه میدهد. در اتحاد بانیرو های ارتجاع داخلی از سیاستی پیروی می نماید که هدف آن باز داشتن مردم از تعقیب نمونه کیوبا میباشد. هر گامی را که در این کشور ها در راه استقلال اقتصادی واستقلال واقعاً سیاسی بر داشته میشود مانع شده ازبین می برد.

امپریالستهای ایالات متحده امریکا بخاطر پیشبرد این‌سیاست خود پروگرام «اتحاد برای ترقی» را بمیان آورد و به اشکال جدید وبیشتر ستر واخفا شدهٔ تحت‌تسلط قرار دادن کشور ها مبادرت می ورزد. آنها سازمان دولتهای امریکائی واتحادیه نظامی بین کشور های امریکائی را مورد استعمال قرار میدهند، در راه تشکیل به اصطلاح «نیرو های‌صلح داخل امریکائی» تلاش می ورزند وبرای خود «حق» مداخله نظامی در هر یك از کشور های امریکای لاتین را محفوظ میدانند، چنانچه درجمهوری دومینیکا وپاناما از این «حق» استفاده کردند. امپریالستهای‌ایالات‌متحده امریکادکتاتوری های‌ارتجاعی‌را حفظ ویاتوسط کودتا های نظامی بر سر اقتدارمی‌آورند، فعالیت های انشعابگرانه را در جنبش اتحادیه های کار گری‌تشدید ودامنه نفوذخود را در قوای نظامی وپولیس پهن می سازند و اختناق را در جنبش عمومی‌تشویق‌مینمایند. امپریالستهای ایالات متحده‌دربعضی از کشور های امریکای لاتین بطور مستقیم در عملیات نظامی علیه گوریلا ها شرکت کرده اند. ولی سیاست امپریالیزم ایالات متحده امریکا به مشکلات بزرگی مواجه میگردد. در استقرار بخشیدن به رژیم های ارتجاعی، یا حصول موافقه تمام کشور ها بخاطر تشکیل «نیرو های صلح داخل امریکا» ناکام میگردد. پروگرام «اتحاد برای ترقی» ناکام شده است.

قوتهای دیگر امپریالیستی، بخصوص آلمان غرب وجاپان نیز تلاش دارند که برای خود جائی در این قاره بدست آورند.

این سیاست تجاوز کارانه امپریالستی که صلح وامنیت‌جهان را تهدید می نماید در کشور های سر مایه داری به مقاومت روزافزون طبقه کارگر، دهقانان، جوانان، محصلان، توده های وسیع مردم، قطع‌نظر ازنظرات‌سیاسی‌وآیدیولوژی شان مواجه می گردد، جنبش نیرو مند اعتراض علیه تجاوز ایالات متحده امریکا در ویتنام اعمال رزمجویانه نیرو های دموکراتیك را علیه سیاست امپریالستی ایالات متحده امریکا وسیاستهای‌حکوماتی‌که از این سیاست پشتیبانی می نمایند قوت می بخشد.

نبرد قهرمانانهٔ خلق ویتنام جنبش مسدود ساختن پایگاه های نظامی امریکا را در جاپان و دیگر کشور های آسیائی و الغای قرار داد هایکه این کشورها رابه‌سیاست پنتاگون مربوط می نماید بوجود آورده است. در خود ایالات متحده امریکا ـ منبع عمده تجاوز ـ جنبش رزمجویانه ضد جنگ و ملیتاریزم برپا شده است.

در اروپای غربی جنبش ضد دسته بندی ناتو، بمنظور عادی ساختن مناسبات وانکشاف همکاری بین دولتها و بخاطرحفظ امنیت اروپائی، قشر های‌وسیعتر نفوس آن قاره را احتوا می کند. همچنان در آلمان غرب نیروهائیکه فعالانه بر ضد سیاست انتقام ونظامیگری مبارزه میکنند درحال رشد اند. در کشور هایکه ایالات متحده امریکا پایگاه های نظامی دارد انحلال این تکیه گاههای‌تجاوز باصدای رساتری مطالبه می‌گردد.

خلقهای امریکای لاتین بر ضد ستم و مداخله بی شرمانه امپریالزم ایالات متحده امریکا در امور داخلی شان پیکار می نمایند. جنبش اعتصابی کارگران، فعالیت های دهقانان، محصلان ودیگر قشر ها نمودار این حقیقت است که توده های وسیع در سراسر قاره امریکا مقاومت خودرادر برابر اوامرایالات متحده ونقشه های نظامی آن تشدید می نمایند. در بعضی کشور ها نیرو های انقلابی بـه مبارزه مسلحانه علیه الیگارشی وامپریالیزم متوسل میگردند.

احساسات ملی خلقها و مشکلات اقتصادی حتی بعضی حکومت ها را مجبور می سازد تدابیر مهمی برضد امپریالزم اتخاذ نمایند، این وضع تمایل بر قرار ساختن یا توسعه مناسبات با کشور های سوسیالستی را به شمول کیوبا تعیین می نماید، احزاب کمونست وکارگری مبارزه دموکراتیك‌وضد امپریالستی را رهبری می کنند وبا وجود تعقیبات دارو دسته های مرتجع با وقف وشجاعت بخاطر خواستهای توده ها وتغیرات انقلابی می جنگند.

در نتیجه اعتلا جنبش آزادیبخش ملی خلقهای آسیا وافریقا ضربه سختی بر مواضع امپریالیزم دراین قاره ها وارد آمده است. این‌خلقها علی رغم موجودیت مشکلات جدی به مبارزه شان علیه استعمار و استعمار نو ادامه میدهند وبه پیشروی عمومی بر ضد امپریالزم کمك می نمایند.

واقعات ده سال گذشته نسبت به هر وقت دیگر خصلت امپریالزم امریکا را بحیث استثمار گروژاندارم جهانی، بمثابه دشمن سوگند خورده جنبش های آزادیبخش‌بیشتر بر ملاساخت.

انحصارات ایالات متحده امریکا در اقتصادیات ده ها کشور نفوذ نموده وبه سر مایه گذاری خود در این کشور ها می افزاید و تلاش می کند مواضع کلیدی را دراقتصاد کشور های مذکور تحت‌کنترول‌خود در آورد.

امپریالیزم آلمان غرب‌به قدرت اقتصادی خود می افزاید، دستگاه جنگی خود را تعمیر میکند، تلاش میکندکه به اسلحه‌هستوی‌دست‌یابد ومساعی خود را در راه تسلط بر اروپای غربی شدت می بخشد. به تمام اقداماتیکه منجر به خلع سلاح وتخفیف کشیدگی بین المللی میگردد مخالفت می ورزد، ودر مناسبات خود با کشور های‌آسیا، افریقا وامریکای لاتین از سیاست استعمار نو و توسعه جوئی پیروی می نماید.

با وجود اینکه امپریالیزم‌برتانیه ضعیف گردیده است، بر تانیه بحیث یکی از قوای عمده‌امپریالستی باقیست و تلاش میکند مواضع‌خود را در افریقا، آسیا، کریبین وشرق میانه به شیوه های استعماری نو وبعضاً از طریق مداخله مستقیم نگهدارد. برتانیه در موضوعات عمده سیاست جهانی بحیث یکی از فعالترین شرکاء ایالات‌متحده امریکا عمل‌میکند در پیمان اتلانتیك نیروی برجسته تجاوز کار را تشکیل میدهد ودر جستجوی اتحاد نزدیك با آلمان غرب میباشد.

امپریالزم جاپان قوت میگیرد وسیاست توسعه طلبی‌خود رااولتر از همه در آسیا شدت می بخشد. میلیتاریزم بار دیگر در جاپان سر بلند می کند. محافل حاکمه جاپان که با پیوند های زیادی با امپریالیزم امریکا مربوط گردیده اند آن کشور را عملابه دیپوی اسلحه امریکائی در جنگ بر ضد مردم ویتنام تبدیل نموده اند ودر دسایس ضد مردم کوریا سهم می گیرند.

امپریالیزم فرانسه کوشش میکند مواضع خود را در اقتصاد وسیاست جهانی حفظ وتقویت نماید. با جدیت وسرسختی در راه تعمیر یك نیروی ضربتی هستوی گام بر می دارد. وازسهیم شدن در اجراآتیکه در راه خلع سلاح صورت میگیرد امتناع‌می‌ورزد. سلطه استعماری خود را بر خلقهای گوادیلوپ، مارتینیك، ریونین، وبعضی کشور های افریقائی و اوکیانیا حفظ می کند و از دادن حق تعیین سر نوشت واداره امور توسط خود این خلقها سر باز می زند. از نفوذیکه هنوز در مستعمرات سابق دارد استفاده میکند، ازشیوه های جدید سیاست استعماری کار میگیرد و در افریقا بطور خاص فعال میباشد.

سرمایه انحصاری ایتالیا نیز به توسعه خود می افزاید.

در بین قدرتهای امپریالستی وبطور کلی در جهان سرمایه‌داری ناموزونی رشداقتصادی‌بیش‌ازبیش شدت می یابد. زندگی، صحت تیوری مارکسیست ـ لینینستی را در باره مبارزه بین‌قدرتهای امپریالستی وبین انحصارات سرمایه داری بغرض پیدا نمودن ساحات نفوذ تائید میکند. رقابت صنعتی و تجارتی حادتر می شود وجنگ‌مالی وپولی وسعت می یابد. رقابت در اروپای غربی بشمول داخل بازار مشترك وهمچنان در بین کشورهای سرمایه داری اروپا و ایالات‌متحده امریکا روبه افزایش است.

امپریالزم جاپان به قوت در مبارزه بخاطر بدست آوردن‌بازار وحد اعظم مفاد شرکت می ورزد.

تنها در ساحه اقتصادی نیست که تضاد های‌درونی بلاك‌امپریالستی هویدا می گردد. پیمان اتلانتیك شمالی دریك بحران جدی دست وپا می زند. دسته بندیهای تجاوز کارانهٔ‌یکه درآسیا ایجادشده‌اند‌ـ سنتو وسیتو‌ـ شگاف بر داشته است. اروپای غربی به صحنه اختلافات بین‌کشور های سر مایه داری‌تبدیل می شود. این سیستم جهانی امپریالزم را ضعیف میکند وپلانهای امپریالزم ایالات متحده را برای رهبری دیگر گون میسازد.

همچنان تضاد ها بین محافل حاکمه کشور های امپریالستی ـ بین دسته های بسیار جنگ طلب که بابکاربردن‌چاره‌های‌نهائی، باجنگ قمار می زنند، وآنهائیکه تناسب جدید قوای طبقاتی در جهان را در نظر می گیرند و راجع به پرابلم‌های بین المللی وحل آنها در روحیه همزیستی مسالمت آمیز بین کشور های دارای سیستم های مختلف از یك روش واقع بینانه طرفداری می نمایند، عمیق تر می گردد. محافل حاکمه بعضی کشور ها این ضرورت را درك می نمایند کـه باید به وضعیت واقعی ای که درنتیجه جنگ، وانکشافات بعد ازجنگ در اروپا بوجود آمده در حساب گرفته شده و باید جمهوریت دموکراتیك آلمان برسمیت شناخته شود. عدهٔ از کشور ها با وجود فشار ایالات متحده امریکا، جمهوری دموکراتیك ویتنام و جمهوری توده‌ای چین را برسمیت شناخته اند.

احزاب کمونست وکارگری ونیرو های ضد امپریالستی تمام تضاد ها در کمپ دشمن را در نظرمی گیرند وکوشش میکنند این تضاد هارا به نفع صلح وترقی عمیق تر و مورد استفاده قرار دهند.

هر قدرت امپریالستی در عین زمانیکه مقاصد خاص خود را پیش میبرد، با هم یکجا زنجیر سیستم جهانی امپریالیزم را تشکیل‌میدهد.

امپریالیزم امروزی، که سعی میکند خود را با شرایط مبارزه‌بین دوسیستم وایجابات انقلاب علمی وتکنالوژیکی وفق دهد دارای بعضی خصوصیات جدید است. کرکتر انحصاری دولتی اش بیشتر آشکار میباشد و هر چه بیشتر بوسایلی‌از قبیل: تمرکزانحصاری دولتی تولید وسرمایه، توزیع مجدد سهم روز افزون عاید ملی توسط دولت، تخصیص قرار داد های جنگی به انحصارات، تمویل **پروگرامهای انکشاف صنایع** و تفحصات ازطرف حکومت، طرح پروگرام های انکشاف اقتصادی بمقیاس سرتاسری کشور وسیاست سالمیت امپریالستی واشکال جدید صدور سرمایه، متوسل میگردد. ولی، نظام انحصاری دولتی که درشکل وبمقیاس بیسابقه منافع سرمایه‌انحصاری را بر آورده بتواند اعمال میگردد ومتوجه حفظ سلطه آن میباشد، قادر نیست نیرو های خود بخودی بازار سرمایه داری را کنترول‌نماید. هیچ دولت سر مایه داری عملا موفق نبوده که از تغییرات دایروی وسقوطهای آنی قیم دراقتصاد خود تا اندازه قابل ملاحظهٔ جلو گیری کند، در بعضی کشور ها دوره های رشد سریع صنعتی به دوره های رشد بطی و اکثراً تقلیل‌تولید عوض گردیده است. سیستم سرمایه داری در چنگال یك بحران حاد مالی و پولی گرفتار است.

انقلاب علمی وتکنالوژی‌امکانات بی سابقهٔ را بخاطر ساختن مجدد طبیعت، بغرض تولید فراوان‌ثروت مادی وچندین برابرساختن‌استعداد های خلاق انسان در اختیار بشریت قرار میدهد. باید امکانات‌مذکور در راه رفاه عمومی بکار برده شود ولی، سر مایه داری انقلاب علمی وتکنالوژیکی را برای افزودن به سود خویش وتشدید استثمارخلق کارگر مورد استفاده قرار میدهد. انقلاب در ساینس وتکنالوژی سوسیالستی شدن اقتصاد را تسریع میکند، در تحت تسلط انحصارات این منجر به تولید مجدد خصومت های اجتماعی به پیمانه وسیعتر وبه شکل حادتر آن می گردد. نه تنها تضادهای بسیار دیرینه سر مایه داری وخیم گردیده است بلکه تضادهای جدیدی نیز بوجود آمده اند، این در درجه اول به‌تضادبین امکانات‌نامحدودیکه انقلاب علمی وتکنالوژی بوجود آورده و موانع که نظام سر مایه داری در سر راه بکار بردن این امکانات بطور کلی به نفع جامعه ایجاد کرده مطابقت می نماید.

سرمایه داری از طریق تخصیص قسمت بزرگ اکتشافات علمی و منابع فراوان طبیعی برای مقاصد جنگی ثروت ملی را ضایع میکند. این عبارت از تضاد بین کرکتر اجتماعی تولید امروزی وخصلت انحصاری دولتی تنظیم آن‌میباشد. این تنها عبارت از افزایش تضاد بین کار وسرمایه است، بلکه‌عبارت از تعمیق خصومت بین منافع اکثریت بزرگ ملت و منافع الیگارشی مالی نیز میباشد.

حتی در پیشرفته ترین کشور های سرمایه داری ملیونها انسان از عذاب بیکاری، نیازمندی وبی‌امنیتی رنج می برند. بر خلاف ادعاهای از قبیل «انقلاب در عایدات» و«سهم گیری اجتماعی» درحقیقت امراستثمار سرمایه داری روبه افزایش است. ازدیاد دست مزدها در مقایسه با افزایش نرخ، حاصلدهی کار وتشدید کار، نیاز مندی اجتماعی وبیشتر از این نسبت‌به مفادیکه انحصارات می برد بسیار عقب است.

(از ص ۲)

مصالحه اصولی ...

کشور ما بوجود آمده اند که ازیکسو حتی نه تنها اصل «مصالحه مشروع» را با نیروی چپ واقعی دموکراتیك خلق افغانستان رد مینمایند (در حالیکه اگر واقعاً چپ راستین می بودند مبایست وحدت واتحاد را باماتامین می کردند) بلکه با بیشرمی عیان تلاش ورزیده ومیورزند که باسیاه ترین وراست ترین محافل حاکمه ونیرو های ارتجاعی راست و شبکه های امپریالیستی (خواه در دستگاه حاکمه، خواه در وجود احزاب دستوری ودفکتوی آنان وخواه در شبکه های جاسوسی وتخریبی) علیه جریان دموکراتیك خلق افغانستان ونشر اندیشه های آن پرچم وکاندید های آن‌درمبارزه انتخاباتی (بغرض بدنام کردن وناکام ساختن) «سازش» کرده ومیکنند. در حالیکه این آقایان «چپ ها» هیچ نفهمیده اند کـه «سازش داریم تا سازش». باید این «چپ های انقلابیگر» یاد بگیرند که متناسب به اوضاع واحوال مشخص در مورد هر مصالحه وهر یك از انواع مصالحه دقت بخرج دهند. مثلا باید یاد گرفت کـه مصالحه باعناصر راست محافل حاکمه وشبکه های امپریالیستی ونیرو های ارتجاعی راست آنهم نه بغرض کاستن میزان شر آنان، بلکه علیه نیروی واقعی انقلابی جنایت به امر مصالح خلق ونهضت رهائی بخش‌ملی و اجتماعی کشور است که تاریخ وخلق آنرا عفو نخواهد کرد. این نوع مصالحه در حقیقت خود را شریك رهزنی ارتجاع وامپریالیزم ساختن است ولو که در ظاهر امر علیه آنهامانور وتظاهر به ضدیت هم صورت‌گیرد. باید توجه داشت که ارتجاع‌داخلی وامپریالیزم تا حدود معین قبول کرده اند که علیه آنها مانور وتظاهر به ضدیت بعمل آید، ولی مشروط برینکه لبهٔ تیز مبارزه‌فلان وبهمان «چپ نماهای نوین» وقهرمانان (!) مبارزه طبقاتی علیه نیرو های واقعی انقلابی وپیشرو (در عرصه ملی وبین المللی) بخصوص در کشور ما علیه جریان دموکراتیك‌خلق افغانستان، بکاربرده شود. سوء تعبیر وسوء استفاده از «تضاد» بنفع انحراف چپ وشوونیزم عظمت طلبانه کـه در حقیقت آب ریختن به آسیاب ارتجاع‌وامپریالیزم است، خیانت به امر جنبش های رهائی بخش ملی و مترقی ملل‌جهان بشمار میرود که اکنون دیگرمشت این دورویی ها و فتنه گری ها باز شده است. سوء استفاده از اصل «مصالحه» آنهم باارتجاع‌وامپریالیزم که **ضرورت حتمی** وجود نداشته باشد، در حقیقت سازش به ارتجاع وامپریالیزم بغرض سرکوبی جریانات واقعی انقلابی است. این درست است که مصالحه هائی در تاریخ جریانات پیشرو انقلابی وجود دارد که احیاناً با احزاب وحکومتها وحتی امپریالیزم صورت گرفته است. لیکن آن «مصالحه» موقتی وروی **ضرورت حتمی** بوده است. اغلباً نیرو های پیشرو انقلابی مصالحه ها و گذشتهای در مسیر مبارزه بانمایندگان طبقات وقشرهای دموکراتیك و ملی کرده است که علیه دشمن عمده تکتیکی‌وستراتژیك نبرد مشترك داشته اند ویا باعث جلب آنها بسوی طبقه انقلابی گردیده است. ولی باز هم‌درچوکات اصول هیچگاه مبارزه مسلکی و سیاسی خود را علیه انحرافات آنها که در آخرین تحلیل تسلیم طلب واپورتونیست وناقل نفوذ‌بورژوازی در داخل توده های وسیع‌خلق بوده اند **قطع‌نکرده اند**. ازینجاست که بین مصالحه اصولی و مشروع ازیکسو ومعامله گری، سیاست بازی، شارلتانی ومصالحه خائنانه ازسوی دیگر باید فرق اساسی‌قایل شد.

مؤ جز اینکه تکتیك مانور

ومصالحه مشروع در شرایطی درست واصولی است که پیروزی نیرو های ترقیخواه وپیشرو را تحکیم یا تسهیل ویا تسریع کند وحملات دشمن را خنثی ویا تضعیف سازد. ولی بخصوص سازش ومصالحه پنهان واتحاد عمل‌بانیرو های‌ارتجاعی‌وامپریالیستی‌که موجب پیروزی‌دشمنان‌خلق‌وشکست نیروهای ترقیخواه پیشرو گردد، در پیشگاه خلق وتاریخ محکوم است و حکم خیانت صریح را دارد، ولو کـه چندی افراد ساده لوح وجوانان کم سن وبی تجربهٔ ما را از لحاظ مانور ظاهراً انقلابیگرانه فریب دهد وموقتاً از لحاظ تبلیغاتی «پیروزی کذائی» بدست آورند.

«ازص اول»

دست‌های مداخله جویان..

گرفته است. مضحك است که حتی کاندید های دستوری وبدنام ورسوای آنها خود بابیشرمی عیان اظهارمینمایند که‌هدف‌آنها از اشتراك در انتخابات مبارزه نه بلکه وظیفه دارند کاندید هاجریان‌دموکراتیك خلق افغانستانرا بدنام وناکام‌سازند. مادرینمورد توجه جدی مقامات مربوطه را در برابر چنین عناصر بد نام که روز بروز ماهیت فتنه گرانه آنها عیان‌میگردد معطوف میداریم که هر گاه بوقت وبهنگام جلو اعمال ناشیانه، متکبرانه وبی مسؤولیت آنهاگرفته نشود به عکس العمل شدید مردم مواجه خواهد شد وما در چوکات قانون بموضع جدی وقهرمانانه دفاع از حق مشروع وقانونی آراء خلق و حقوق کاندید های خود قرار خواهیم گرفت ودست‌به افشای این عناصر سیاه وسیا خواهیم زد که البته عواقب ناشی از مداخلات غیر قانونی عناصر ومحافل حاکمه در امور انتخابات شهادت مردم بعهده مسؤولین مقامات حاکمه افغانستان خواهد بود.

بدینجهت ارادهٔ بالقوه خلق افغانستان حکم مینماید که بایدهرچه زودتر دست مداخله جویان زور گو در انتخابات کوتاه گردد.

(بارق شفیعی)

ول)

سیاست اقتصادی حکومت..

وسر مایه گزاری های خصوصی اعم از داخلی‌وخارجی‌از طرف‌حکومات کوششهای فراوانی بعمل‌آمد وگویا برای «رشد» اقتصاد کشور ترویج‌هر چه بیشتر قاچاقبری نیز ضروری پنداشته شد.

نافذ ساختن قانون جدید سرمایه گزاری داخلی وخارجی که از طرف مشاورین کشور های سر مایه داری در افغانستان تسوید گردید، به نام ایجاد وتشویق صنایع داخلی و در پناه «اقتصاد راهنمایی شده» بهترین گواه برین تلاش حکومتهای اخیر در جهت گیری آنها در امور اقتصادی کشور می باشد. برخی **از سوداگران دلال وقاچاقبران** داخلی وسر مایه داران خارجی‌برای غارتگری های بیشتر خود استفاده‌از امتیازات وسیع این «قانون» را مساعد دانستند سرمایه‌گزاری‌باصطلاح‌تشویق گردید و ازینراه‌برخی‌از سرمایه‌داران وقاچاقبران زرنگ بااحداث دستگاه‌ـ های بسیار کوچك تولیدی بسوء استفاده وکاربر در آمد قاچاقبری پر داختند. نمونهٔ مشخصی از چنین غارتگری هارا در راپور روزنامهٔ کاروان می یابیم که بقرارآن اخیراً گوشه ای از فعالیتهای ضد منافع ملی وسوء استفاده های فقط هشت فابریکه نساجی خصوصی افشاء گردیده است. قابل تذکر است که این هشت فابریکه نساجی سندی هریك خیلی کوچك بوده وغالباً بیش از چند پایه ماشین ساخت پاکستانرا بکار نینداخته اند. بقرار راپورکاروان این فابریکه هادرظرف یك سال یك ملیون کیلو سند وبیشتر از آن نخ (معاف از محصول گمرك) واردکرده وبصورت خام دو باره فروخته اند (بایدمتذکرشدقسمت اعظم‌سندوارده بطور قاچاق خارج از کشور بفروش می رسد) واز ین طریق صرف از ناحیه‌محصول‌گمرك‌در حدودیکصد ملیون افغانی امتیازبدست‌آورده اند.

این نمونه‌ای‌از معاملات‌غارتگرانه سرمایه‌داران کمپرادور وقاچاقبران وطنی است‌که بـه نفع انحصارات امپریالیستی وبه زیان خلق وطن‌ما بدستیاری و همکاری مشهود عناصر متنفذ در دستگاه حکومت زیر نام تشویق صنایع کوچك به اصطلاح «سریع‌الثمر اقتصادی» مطروحه‌پلان سوم کشور بعمل می آید.

تجارب فراوانی نشان میدهدکه سوداگران‌دلال‌داخلی‌بطور روزافزونی منافع خود را با منافع غارتگرانه انحصارات‌امپریالیستی مزج‌مینمایند. بورژوازی دلال کشور که آله‌ووسیله سود جویی انحصارات امپریالیستی اند، بخصوص‌بالوسیله نمایندگی‌های کمپنی های غارتگر کشور های سر مایه داری جهت تامین منافع آزمندانهٔ خود به منافع توده های عظیم‌مردم‌افغانستان‌بیرحمانه‌دستبرد میزنند وآنرا به تاراج میدهند.

اکنون مسلم گردیده است، راه تکامل اقتصادی کشور ما راهی نیست که هیأت حاکمه افغانستان در پیش گرفته است ونتیجهٔ آن جز تباهی بیشتر، ادامهٔ رکود مزمن اقتصادی که همین حالا در اقتصاد کشور حکمفرماست و ایجاد وتعمیق بحران اقتصادی‌چیزدیگری نمیباشد. راه خروج از ین وضع تباه کنندهٔ اقتصادی، راه رشد وتکامل سریع اقتصاد وفرهنگ کشور، راه تامین وتحکیم استقلال اقتصادی و ایجاد یك اقتصاد ملی مترقی در کشور، در مرحلهٔ کنونی از تکامل جامعهٔ ما، راه رشد مترقی غیر سر مایه داری است که راه را برای سوسیالیزم میگشاید.